

## بررسی تطبیقی اعجاز تشریحی قرآن در آیات تحریم ربا\*

□ محمدعلی طاهری نژاد\*\*\*

□ بی بی حکیمه حسینی\*\*\*

□ زهرا حیدری آبروان\*\*\*\*

### چکیده ۱

اعجاز تشریحی یکی از وجوه اعجاز قرآن و دارای ابعاد مهمی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تحریم ربا نیز نمونه‌ای از تشریحات قرآن کریم است. اکنون با توجه به جنبه اعجاز تشریحی قرآن کریم و حکم تحریم ربا، مسئله مطرح آن است که تحریم مذکور در قرآن با چه ظرایف و حکمت‌هایی همراه است و چگونه اعجاز قرآن را در بعد قانون‌گذاری نمایان می‌سازد.

پژوهش حاضر بر آن است که وجه اعجاز تشریحی قرآن در زمینه حکم تحریم ربا به طور مستقل قابل طرح بوده و از نظر بررسی تطبیقی میان نظرات علمای فریقین نیز قابل اثبات است. بر همین اساس، با رویکرد توصیفی - تحلیلی به تبیین این وجه اعجاز قرآن در آیات ربا پرداخته است. از راهبرد پژوهش چنین برمی‌آید که تحریم ربا از نظر عقلی و فطری کاملاً پذیرفتنی است و قابلیت اصلاح مطابق علم روز را دارد که با استناد به متن آیه قرآن «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ...» (اعراف: ۱۵۷)، از زبان شخصی امی و در مدتی کوتاه نهادینه شده است.

واژگان کلیدی: وجوه اعجاز، اعجاز تشریحی، تحریم ربا، دین اسلام.

---

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۹/۷؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰.

\*\*. استادیار دانشگاه اوقاف و عضو هیئت علمی دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد (m41taherynejad@gmail.com).

\*\*\*. استادیار دانشگاه اوقاف و عضو هیئت علمی دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد (hosseini.dolatabad@gmail.com).

\*\*\*\*. دانشجوی دکترا دانشگاه فردوسی (نویسنده مسئول) (zahra.heidary@mail.ru).

## ۱. طرح مسئله

به نظر می‌رسد توجه به نکات اعجاز‌آمیز احکامی مانند ربا که در چارچوب اعجاز تشریحی عنوان می‌شود، به طور خاص کمکی به تشریح این وجه از اعجاز قرآن و به شکل عام منجر به تثبیت هرچه بیشتر کلیت اعجاز این کتاب آسمانی می‌گردد. البته در وجه تبیین و تعریف اعجاز تشریحی قرآن بنابر صبغه کلامی یا فقهی محقق و مفسر، معنا و مفهوم این وجه از اعجاز متفاوت است و به دو گروه تقسیم می‌شود: گروه نخست دیدگاه عامی در این زمینه دارند که اعجاز تشریحی را شامل کلیت قرآن می‌دانند و گروه دوم به طور خاص آن را قابل انطباق بر برخی آیات قرآن می‌دانند و دارای دیدگاه اقلیتی هستند.

در گروه اول بسیاری از قرآن‌پژوهان اهل سنت و برخی از دانشمندان شیعه وجود دارند که اعجاز تشریحی را بر تمام علوم و معارف و احکام تکلیفی قرآن اطلاق می‌کنند، اما در مقابل این گروه جمع بیشتری از صاحب‌نظران شیعه و برخی پژوهشگران اهل سنت وجود دارند که از دیدگاه فقهی به موضوع اعجاز تشریحی پرداخته‌اند و آن را از اعجاز علمی تفکیک می‌کنند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

با توجه به اینکه موضوع آیات ربا دارای صبغه و رنگ و بوی فقهی است، بر اساس تقسیم‌بندی مذکور، آنچه بیش از همه در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته تبیین این پرسش است که آیا در تشریح حکم ربا وجه اعجاز تشریحی قابلیت تبیین و عرضه را داراست؟

برای پاسخ به این مسئله نخست ماهیت و پیشینه اعجاز تشریحی به مثابه کبرای بحث طرح گردیده است. در ادامه سعی شده تا اعجاز در تشریح حکم تحریم ربا، در قالب نکاتی که با جست‌وجو در منابع تفسیری فریقین، اقتصادی و پژوهش‌های موردی مربوط به اعجاز تشریحی وجود دارد، تبیین گردد تا از راهبرد آن و با تعمیم از جزء به کل، وجه معجزه بودن در تشریح احکام قرآن نیز مدلل گردد. تفاوت پژوهش حاضر با سایر آثار مرتبط با اعجاز تشریحی در همین جزئی‌نگری است. از جمله نکات مطرح شده، بررسی تحریم ربا از جنبه‌های وجود یا عدم تناقض، تطابق یا عدم آن از نظر عقلی، فطری و علمی، شخصیت آورنده، شرایط عرضه حکم و مدت زمان ارائه این تحریم است که در هر یک، معجزه‌بودن این حکم به نوعی قابل ارزیابی و تصدیق است. افزون بر آن، پژوهش حاضر می‌کوشد در هر یک از مباحث، در صورت امکان، بررسی تطبیقی میان نظرات علمای فریقین مورد انجام شود تا دلایل ذکر شده به شیوه متقن‌تری ارائه گردد. همچنین باید گفت علی‌رغم بررسی موردی اعجاز تشریحی در قالب آیات ربا، دیدگاه پژوهش حاضر، دیدگاه اقلیتی نبوده و معتقد است وجه اعجاز تشریحی در یکایک آیات قرآن و به خصوص در مجموعه آیات، قابل بررسی و انطباق است. به علاوه، در تحریم ربا، تنها جنبه فقهی آن نیست که دارای بعد اعجاز

تشریحی می‌باشد و بلکه این تحریم از بسیاری جهات از جمله بعد علمی، آورنده آن و سایر مواردی که در این مقاله به آن پرداخته شده است، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

## ۲. ماهیت اعجاز تشریحی

اعجاز تشریحی خود برگرفته از دو اصطلاح «اعجاز» و «تشریح» است که به منظور فهم کلی ماهیت آن لازم است به هر دو جزء تشکیل دهنده یعنی «اعجاز و تشریح» با دقت بیشتری نظر افکند.

### ۲-۱. اعجاز

از نظر لغوی، اعجاز از ریشه «عجز» گرفته شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵/ ۳۷۲) و به معنای پایان و بن هر چیز است (ابن‌فارس، بی‌تا: ۴/ ۲۰۴). راغب عجز را به معنای «تأخر از چیزی»، وقوع به دنبال امری دیگر که آن ضد قدرت است و نیز پایان و انتهای هر چیزی معنا نموده است (راغب، ۱۴۱۲: ۱/ ۵۴۷). به نظر می‌رسد انسان ناتوان، چون همواره در پایان قافله مانده است او را عاجز و ناتوان نامیده‌اند. از این‌رو، در مفهوم «عجز» ضعف و ناتوانی جای گرفته است، اگرچه ضعف و ناتوانی جزء معنای اصلی عجز نبوده است. بدین جهت اعجاز به معنای ایجاد درماندگی و به ناتوانی در آوردن طرف مقابل است (مؤدب، ۱۳۸۶: ۲۲).

در بیان معنای اصطلاحی اعجاز میان دانشمندان علوم قرآنی، این واژه با کلمه معجزه معنای اصطلاحی یکسانی دارد و اعجاز همان معجزه است. چرا که در تعریف آن آورده شده است: «معجزه امری خارق‌العاده است که با تحدی و هم‌اوردطلبی همراه است، ضمن آنکه نظیر و همانندی برای آن نیست» (سیوطی، ۱۴۲۹: ۸۰۴). همچنین گفته شده معجزه آن است که فردی که ادعای منصبی از مناصب الهی می‌نماید، کاری را انجام دهد که فراتر از قوانین طبیعت باشد (خویی، ۱۳۹۴: ۳۳).

البته به این نکته نیز باید توجه داشت که اصل طرح مسئله «اعجاز و معجزه» توسط مفسران، در واقع بررسی اعجاز قرآن کریم بوده است، و اینکه بعضی از مفسران شیعه و سنی یکی از شرایط تحقق معجزه را «تحدی» می‌دانند، توجه آنان بیشتر معطوف به قرآن مجید بوده است، نه همه معجزات انبیا، زیرا در قرآن کریم برای بیان معجزه بودن آن صریحاً «تحدی» و هم‌اوردطلبی صورت گرفته است. در حالی که می‌توان ادعا کرد که بسیاری از معجزات سایر پیامبران که در قرآن ذکر شده بدون «تحدی» است. اعجاز در قرآن تنها به معنای لغوی خویش به کاررفته است، همانند این آیه که می‌فرماید: «... وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ...؛ بدانید که شما نمی‌توانید خدا را عاجز کنید» (توبه: ۲)، اما در معنای مصطلح آن آیه‌ای بیان نشده است و بلکه آیاتی با لفظ «آیه»، «بینه» و امثال آن به کار رفته است (انبیاء: ۵؛ آل‌عمران: ۴۹؛ ابراهیم: ۹).

## ۲-۲. تشریح

تشریح از ریشه «شَرَع» به معنای آشکار ساختن راه گرفته شده است (راغب، ۱۴۱۲: ۸/ ۱۷۵). فراهیدی در توضیح معنای آن چنین می‌گوید: «شرع: آب به آن وارد شده و جاری می‌شود. پس آن شارع است و آب در آن مشروع (جاری شده) است...» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۵۲).

از نظر اصطلاحی تشریح به معنی قانون‌گذاری است (زحیلی، ۱۴۱۹: ۱۱) و شریعت نیز که از همین ریشه است به طور استعاره به طریقه‌ی خدایی اطلاق شده است (راغب، ۱۴۱۲: ۱/ ۴۵۰). اگر این تشریح از سوی خداوند متعال باشد تشریح آسمانی است و اگر از سوی بشر انجام گیرد تشریح وضعی نام خواهد داشت (ابراهیم، بی تا: ۱۹).

## ۲-۳. اعجاز تشریحی

از برابری معانی لغوی و اصطلاحی فوق می‌توان نتیجه گرفت که اعجاز تشریحی یعنی وضع احکام و قوانینی که دیگران نتوانند مانند آن را بیاورند و یا با آن مقابله کنند. در واقع اعجاز تشریحی قرآن مبتنی بر ناتوانی انسان از آوردن نظام حقوقی و قوانینی جامع برای زندگی خویش است که خداوند نیز در قرآن، در آیه ۱۳ سوره شوری: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ...» این تشریح را به خود نسبت داده و سابقه آن را به زمان حضرت نوح بازمی‌گرداند. یعنی تشریح قوانین اگرچه همواره بوده و خواهد بود، کامل‌ترین آن مختص به خداوند است که به اقتضای موقعیت‌ها، جزئیات احکام و نوع بیان آن با توجه به حال مخاطبان، در برخی زمان‌ها متفاوت گردیده است و در دین خاتم و به طور خاص، قرآن در حد و اندازه اعجاز رخ نموده است.

به علاوه، دانشمندان علوم قرآنی اعجاز تشریحی را یکی از انواع اعجاز معارفی قرآن دانسته‌اند که در برخی منابع با عنوان «اعجاز قانون‌گذاری» خوانده شده است، یعنی بشر عادی قادر به انجام چنین قانون‌گذاری نیست، لذا بحث از اعجاز تشریحی قرآن به منظور اثبات وحیانی بودن آن از راه تشریح قوانین جامع و متعادل در جامعه است (دشتی، ۱۳۸۲: ۳/ مبحث اعجاز تشریحی قرآن).

## ۳. پیشینه بحث اعجاز تشریحی

در حالی که اعجاز قرآن به طور کلیت، ریشه در تاریخ اسلام دارد و دانشمندان و مفسران مسلمان همچون جاحظ (۲۵۵ق)، خطابی (۳۸۸ق)، جرجانی (۴۷ق) و بسیاری دیگر به آن پرداخته‌اند اما با این وجود بیان و نظریه‌پردازی در وجه اعجاز تشریحی قرآن مسبوق به سابقه تاریخی طولانی نیست و اولین اثرات آن را باید

در دوران معاصر از جمله در اعجاز القرآن باقلانی مشاهده نمود (باقلانی، بی تا: ۴۷). دلیل چنین تأخیر عظیمی در پرداخت به وجه اعجاز تشریحی قرآن کریم، مستقل ندانستن آن به شکل وجهی قابل تعریف از اعجاز است، زیرا با وجود آنکه پیش از باقلانی، اشخاصی همچون قاضی عبدالجبار در مجلد شانزدهم کتاب المغنی فی ابواب التوحید و العدل و پس از آن جرجانی در دلائل الاعجاز به بررسی اعجاز قرآن می‌پردازد (جرجانی، ۱۴۲۲: ۲۱۰)، معذک هیچ یک به وجه اعجاز تشریحی قرآن اشاره‌ای ننموده‌اند.

در دوران معاصر این وجه از اعجاز قرآن، ابتدا از سوی بلاغی (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱۳/۱ - ۱۴) و رشیدرضا مورد اشاره قرار گرفت (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱/۱۷۱) و در نهایت در آثاری مانند القرآن و اعجازه التشریحی نوشته ابراهیم اسماعیل (بی تا) و در بخشی از التمهید اثر آیت الله معرفت (معرفت، ۱۳۸۵: ۶)، به صورت مستقل بدان پرداخته شد. آنچه در بررسی پیشینه مهم می‌نماید آن است که تاکنون علمای فریقین به صورت گسترده به این وجه از اعجاز در قالب آثار مستقل نپرداخته‌اند، در حالی که اگر تمامی آیات قرآن و به طور ویژه مجموعه آیات قرآن در زمینه‌های خاص، همچون تحریم شراب، تحریم ربا، جهاد و غیره مورد بررسی قرار گیرند، کلیت وجه اعجاز تشریحی قرآن نمود بسیار بیشتری می‌یابد.

#### ۴. تعریف لغوی و اصطلاحی ربا

در لغت، واژه ربا از مصدر «ربو، یربو» گرفته شده و به معنای زیادشدن و رشد کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱/۳۰۵). همچنین هرگونه فضل و زیادی را ربا گفته و تثنیه آن «ربیان» (ربوان) است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۱۷۴) و نیز گفته‌اند ربا، یعنی زیادی و بنابر قول مشهورتر اسم مقصور است و مثنای آن با واو «ربوان» است و گاهی بنابر تخفیف «ربیان» گفته می‌شود و اسم منسوب آن «ربوی» گفته شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴/۳۴).

معنای لغوی ربا موازی با اصطلاح شرعی آن نیست، زیرا همان‌گونه که ذکر گردید، در لغت، ربا به طور قطع بر زیادی اطلاق می‌شود، در حالی که در شرع، بر هر نوع زیادی در معاملات و مبادلات ربا گفته نمی‌شود و حرام نیست. شاید بتوان گفت: معنای لغوی ربا عام‌تر از معنای شرعی آن است.

به همین دلیل، در مفردات راغب آمده است: «الربا الزیاده علی رأس المال لکن خص فی الشرع بالزیاده علی وجه دون وجه؛ ربا در اصل زیادی بر اصل مال است ولی از نظر شرع زیادی خاصی را ربا می‌نامند» (راغب، ۱۴۱۲: ۱/۳۶۰).

در اصطلاح فقه شیعه، واژه ربا گاهی به معنای «زیادی خاص» و گاهی به معنای «معامله ای که مشتمل بر زیادی خاص است» به کار رفته است و به دو نوع ربای قرضی و معاملی تقسیم شده است (موسویان، ۹۲-۱۳۹۱: ۲۳۱):

۱. ربای قرضی؛ عبارت است از: «اشتراط هر نوع زیاده در قرارداد قرض» (خمینی، ۱۴۰۱: ۱/ ۶۵۱؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۱۰/ ۲۵).

۲. ربای معاملی؛ عبارت است از: «معامله دو شیء هم جنس از اشیای مکمل یا موزون همراه با زیاده» (یزدی، بی تا: ۲/ ۴).

در فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز از همان آغاز اعتقاد به حرام بودن اقسام ربا وجود داشت. ابن رشد و ابن قدامه و خطیب بر این مسئله ادعای اجماع کرده اند که مسلمانان در همه زمانها بر حرمت ربا فی الجمله اجماع کرده اند و همه فقهای مذاهب نیز این اجماع را نقل کرده اند (ابن رشد، ۱۴۱۶: ۴/ ۴۹۶؛ شوکانی، بی تا: ۵/ ۲۱۳؛ ابن قدامه، بی تا: ۴/ ۱۲۲). به گفته نویسنده کشف الاسرار، همه فرقه های مالکیه، شافعیه، حنبله و شیعه امامیه به حرام و باطل بودن قراردادهای ربوی معتقدند و تنها حنفیه، با وجود اعتقاد به حرمت ربا، معامله ربوی را باطل نمی دانند (بخاری، ۱۳۰۷: ۱/ ۲۵۹). (۱)

در قرآن این کلمه و مشتقات آن، گاه در معنای لغوی خود یعنی همان زیاد شدن به کار رفته است، مانند آیه: «... فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ ...؛ چون آب را فرورستادیم زمین جنبید و بالا آمد ...» (حج: ۵)؛ گاه در معنای اصطلاحی آن، یعنی زیاده گرفتن بر اصل مال در بیع و قرض عنوان شده است، همانند این آیه که خداوند می فرماید: «... وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ...» (۲) ... آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت...» (روم: ۳۹).

به نظر می رسد قدر متیقن تمامی معانی لغوی، اصطلاحی و قرآنی که برای این واژه به کار می رود همان زیادی و زیاد شدن است که گاه به درستی اتفاق می افتد، مانند آنچه در طبیعت رخ می دهد، گاه به نادرستی، مانند آنچه انسان فرع بر مال خود از سایر انسانها دریافت می کند؛ که این فرع بر مال که انسان از سایرین دریافت می کند در تمامی منابع و مباحث فریقین نیز حرام بوده و به طور کلی نظر اسلام مبتنی بر تحریم تمامی انواع رباست.

۵. نکات اعجاز آمیز تشریح در تحریم حکم ربا

قرآن مجید در وضع احکام و مبارزه با انحرافات ریشه دار اجتماعی، سبک و سیاق مخصوص به خود را دارد، به طوری که به وضوح می توان اثرات این شیوه منحصر به فرد را که یکی از آثار آن تهذیب و تأمین مصلحت اجتماع است، در نوع بیان آیات مشاهده کرد.

از جمله ویژگی هایی که برای اعجاز قرآن در قالب تشریحات برشمرده شده است و می توان به عنوان نمونه و در قالب آیات ربا آن ها را بررسی نمود مواردی همچون نبود تناقض میان آیات و بلکه مؤید یکدیگر بودن حتی با وجود فاصله زمانی میان نزول، سازگاری با عقل، هماهنگی با فطرت، توان اصلاح علم روز، عرضه آن از زبان شخصی درس نخوانده، عرضه در شرایط جامعه عصر جاهلیت که امکان چنان تحریمی ممکن به نظر نمی رسید و نهادینه شدن در مدت کوتاه در مقایسه با عمق ریشه دوانیدن ربا در زندگی مردم عصر نزول است که هر یک به فراخور ظرفیت کلامی خویش، مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۱-۵. نبود تناقض میان آیات تحریم ربا

آیات ربا در سوره های مختلف و به صورت پراکنده قرار دارد که از میان این آیات، آیه ۳۹ سوره روم: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ...» مکی است و سایر آیات تحریم ربا (۳) مدنی هستند.

پیامبر اکرم | در مکه، برخلاف مدینه، دارای حکومت مستقل اسلامی نبودند و جامعه اسلامی به شکل رسمی تشکیل نشده بود (شریف احمدابراهیم، بی تا: ۱۹۶۵)، اما با وجود تفاوت شرایط اجتماعی و اقتصادی در مکه و مدینه و نیز تفاوت میزان آمادگی مردم برای پذیرش این تحریم شدید و باوجود چنان حدی از گستردگی بازه زمانی نزول، کمترین تناقضی میان احکام صادره مشاهده نشده و بلکه هرکدام از آیات به نوعی مکمل آیه نازل شده پیش از خود است؛ همان گونه که خداوند متعال خود نیز به این عدم وجود اختلاف، البته به طور عام، تحدی می کند و می فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند» (نساء: ۸۲). این تحدی به طور خاص بر آیات تحریم نیز قابل انطباق است.

تمام موارد پیش گفته در حالی است که وجود تنها یکی از موارد فاصله زمانی، تنوع گویش و ادبیات به کاررفته، شرایط متفاوت اجتماعی، و سایر عوامل باعث به وجود آمدن تناقض شده و برای وجود نقص در احکام و قوانین بشری کافی است. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورها قانون اساسی حداقل یک بار دچار تغییرات بنیادی شده است. کشورهایی مانند چین، مالزی، اندونزی و بلژیک (منصوری، ۱۳۷۵، ش ۵۹) هر کدام یک بار تغییر را در اصلی ترین قانون خود تجربه کرده اند. اما اگر به حکم تحریم ربا با عمق بیشتری

نظر شود، از همان ابتدا نه تنها بر اثر این تحریم حق کسی نادیده گرفته نشد، بلکه تمام جوانب آن و مصالح بشریت، در وضع این حکم در نظر گرفته شده است. این رعایت حقوق افراد در هنگام تشریح حکم نیز به حدی بوده است که سودهای گرفته شده عطف به ماسبق نشده و پس از نزول حکم تمامی سودها بخشیده شد. این نکته از عبارت « فَلَهُ مَا سَلَفَ » در آیه ۲۷۵ بقره نیز قابل برداشت است. همچنان که برخی مفسران اهل سنت همچون سید قطب معتقدند: «والتشريع ينفذ و ينشئ آثاره بعد صدوره .. فأما الذي سلف فأمره إلى الله لا إلى أحكام القانون؛ تشریح آثار خود را پس از صدور تنفیذ و بسط می‌دهد ... و کسی که پیش از آن بوده امر او با خداست و نه با احکام قانون» (سید قطب: ۱۴۱۲: ۱ / ۳۳۰).

## ۲-۵. سازگاری با حکمت و عقل

این اصل کلی پذیرفته شده است که خداوند حکیم است و هر کار حکیمانه او باید متقن، محکم و هدفمند باشد. در نتیجه احکام صادر شده، از روی حکمت و عقل بوده و علت دارد. بسیاری از بزرگان شیعه و اهل سنت نیز بر برخی جنبه‌های عقلانی این تحریم تأکید نموده‌اند. از جمله علامه طباطبایی معتقد است در حکم تحریم ربا، دلایل عقلی و فلسفی متقنی در بطن آیات موجود است که کاملاً بر بینش عقلایی انسان منطبق است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۳۳). سید قطب، از علمای اهل سنت، نیز بر آن است که یکی از دلایل تحریم ربا پیشگیری از هزیمت و نابودی اقتصاد است (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۳۰).

همچنین از فحوای آیات ربا می‌توان مفاهیم عقلی را دریافت نمود. به عنوان مثال، در آیه شریفه «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِيَدِهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْأَبْطَالِ...» (نساء: ۱۶۰)، یهود را به خاطر نقض قوانین خود و رباخواری سرزنش می‌کند و مستحق مجازات می‌داند، به این دلیل که قوانین دین یهود، ایشان را از این کار نهی کرده بود (سفر خروج، ۲۲؛ سفر توریه مثنی، فصل پانزدهم: ۷ تا ۱۵؛ سفر نجمیا، باب ۵: ۱-۶؛ انجیل لوقا، باب ششم: ۳۴ تا ۱۳۲). در نتیجه نقض قوانین برتر الهی و نیز ظلم بودن ربا از جمله دلایل عقلی است که از متن آیه مذکور قابل دریافت است. همچنان که شهید مطهری نیز ربا را به خاطر ظلم بودن آن مستحق تحریم می‌داند (مطهری، ۱۳۸۲: ۴ / ۳۳۶).

در آیه شریفه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ...» (آل عمران: ۱۳۰)، ربا خوردن مال به زیادی ناحق خوانده شده و آن را به آتش سوزاننده تشبیه می‌کند که عقل سالم انسان، از آتش دوری خواهد نمود.



همچنین در آیه شریفه «... الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...»، انسان رباخوار را به کسی که شیطان او را لمس کرده تشبیه می‌کند. از نظر زحیلی چون اسلام دین همکاری و لطف و تعاون است، ربا مخالف (عقلی و شرعی) این ملاطفت و همکاری است، به همین لحاظ حرام شده است (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۶۰).

علامه طباطبایی & نیز در خصوص معنای مس شیطان چنین می‌فرماید: «مراد این است که رفتار رباخوار در مورد امر معاش و زندگی به رفتار جن زده و دیوانه‌ای می‌ماند که خوب را از بد تمیز نمی‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۶۹).

سخن علامه گویای آن است که عدم توان تشخیص خوب از بد، نوعی نقص عقلی است که رباخوار به دلیل ظلمی که به سایرین روا می‌دارد، دچار آن شده است و تعبیر فوق در جای خود بسیار منطقی می‌نماید. توضیح تکمیلی آنکه در آیه مذکور پس از ابراز نصایح عقلانی خداوند، ربا به منزله جنگ با پروردگار متعال اعلام شده و واژه اقامه به کار می‌رود، همان‌طور که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «... لِيُقَوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» تا جامعه، بر مبنای عدل استوار شود...» (حدید: ۲۵). لذا شاید بتوان با توجه به ارتباط پنهانی که در استفاده از کلمه «اقامه» در این آیات وجود دارد، این‌گونه گفت که یکی از دلایل تحریم ربا برپایی قسط و عدل در جامعه است. دلیل مدعای فوق آن است که در خرید و فروش معمولی هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، در حالی که در معاملات ربوی رباخوار هیچ‌گاه زیان نمی‌بیند. به علاوه، با شیوع رباخواری سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم قرار می‌گیرد. در نتیجه هر یک از این موارد خود حاکی از دور شدن جامعه از عدالت است. به همین لحاظ باید گفت دلایل و فلسفه عقلی تحریم ربا از متقن‌ترین علل تشریح این حکم در قرآن است.

### ۳-۵. سازگاری با فطرت بشر

واژه فطرت به سه اصطلاح عام که شامل هرگونه گرایش اصیل انسانی یا حیوانی می‌شود؛ خاص که تنها به گرایش‌های انسانی اطلاق می‌گردد و اخص که مختص خداگرایی و دین‌گرایی انسان است تقسیم می‌گردد (مصباح، ۱۳۶۸: ۱۸۵).

حکم ربا اگر از جنبه فطری مورد بحث قرار گیرد، به دلیل سالم آفریده شدن فطرت بشر که پایه و اساس زندگی اجتماعی انسان‌ها در کنار یکدیگر را تشکیل می‌دهد، حکم می‌کند شخص، چیزی را که بی‌نیاز از آن است به ممنوع خود که به آن نیازمند است بدهد تا در سایه این بخشش حس نوع دوستی فطری بشریت ارضا شده و روح بخشش و همکاری در جامعه رواج یابد. اما شخص رباخوار درست برخلاف فطرت خود

عمل کرده و آنچه را به دیگری می‌دهد با سود آن و دوبرابر پس می‌گیرد. قرآن کریم به دلیل وجود اختلاف فاحش میان رباخواری و سلامت فطرت انسان، شدیداً از این عمل نهی کرده است، زیرا در این عمل نه تنها کار مفیدی در قبال این زیاده گرفتن انجام نشده است، بلکه در نهایت منجر به شکاف طبقاتی عمیقی در جامعه خواهد شد و رباخوار هرروز از مال دیگران ثروتمندتر شده و اموال افراد بدهکار رو به کاهش و نقصان می‌گذارد. افزون بر آن، رباخواری کینه را در میان بشریت افزایش می‌دهد که این نتیجه برخلاف فطرت نوع دوست بشر است.

#### ۴-۵. اصلاح علم روز

قرآن کریم مشتمل بر معارف گوناگون در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و علمی است. یکی از این حوزه‌ها که در سال‌های اخیر به حوزه مباحث علم و دین افزوده شده، موضوع اقتصاد اسلامی است (کوهساری، ۱۳۹۰: ۱۲). بخشی از آموزه‌ها و نظام‌های اقتصادی قرآن از سنخ گزاره‌ها و آموزه‌های انشایی است که حاوی بایدها و نبایدها و هنجارها و ارزش‌هاست و گزاره‌های اقتصادی اثباتی قرآن و تبیین ساختارهای اقتصادی در این بخش از آموزه‌های انشایی قرار می‌گیرد (همان: ۱۱). خداوند متعال در بیش از ۱۴۰۰ سال قبل، در ذیل بسیاری از آیات از جمله آیات ابتدایی سوره مطففین و مجموعه آیات ربا بخشی از رسوم غلط اقتصادی بشر را مایه ضرر اجتماع معرفی می‌نماید و در حقیقت گزاره‌های حقیقی اقتصاد اسلامی، یعنی زندگی عاری از ربا، کم‌فروشی و غیره را بیان کرده است.

از آن سو در عصر حاضر، علم اقتصاد از علوم روز و از مباحث مهم روزمره بشر می‌باشد که در برخی موارد شامل ساختارها و هنجارهای غلط اقتصادی‌ای است که خداوند متعال قرن‌ها پیش از این ضرر وجود آن را برای اقتصاد بشر تبیین نموده است. به طور قطع می‌توان گفت ربا یکی از این گزینه‌های غلطی است که با وجود اختطار قاطع خداوند و بیان مضرات آن تا قرن‌ها در جوامع غیرمسلمان و به ویژه غربی رواج داشته و دارد.

اگرچه امروزه برخی دانشمندان علم اقتصاد جهان از جمله جوزف استیگلیتز (Joseph Eugene Stiglitz)، دیوید کورتن (David Korten) و مایک ملونی (M. Maloney) بر این امر صحه گذاشته‌اند که وجود بهره یا همان ربا در اقتصاد جهانی، عامل بسیاری از بحران‌ها و رکودهای مالی جهان در سال‌های اخیر به ویژه عامل اصلی بحران در سال ۲۰۰۸ بوده است اما باید توجه داشت که لزوم استفاده از بهره در ادبیات اقتصادی غرب به دلایلی همچون ارجحیت زمانی، مطلوبیت نهایی کاهشی و بهره‌وری و باز و لید

در کالاهای سرمایه‌ای به اثبات رسیده است (Bawerk (1889) The , Macmillan and Co  
(Positive Theory of Capital. London).

در نظام سرمایه‌داری غربی که معاملات در آن صرفاً بر مبنای زیاده گرفتن بر اصل و فارغ از هر قیدی، انجام می‌گیرد (صدر، ۱۴۱۰: ۲۰-۲۳)، معنای ربا و بهره در یک راستا هستند و از نظر ماهوی تفاوت چندانی ندارند. این در حالی است که در همان ابتدای نزول قرآن، ولو به صورت بیان توصیه اخلاقی، افراد جامعه از ادامه این کار بازداشته شده و به مرور تمام مضرات اصلی آن بیان می‌شود. مضراتی که علم اقتصاد امروز دنیا، حتی با وجود اثبات آن برای خود ایشان و اذعان برخی از دانشمندان غربی، (۴) همچنان اصلی‌ترین گزینه رونق چرخه اقتصادی قلمداد می‌گردد.

به هر حال، آنچه در پایان این مبحث بیش از هر چیزی اهمیت می‌یابد، اعجاز قرآن در بنیان‌نهادن حکمی شرعی - اقتصادی است که امروزه علی‌رغم اذعان و اعتراف برخی دانشمندان مطرح غربی به مضرات آن، که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، همچنان جای خالی بیان این حکم در علم اقتصاد جهان احساس شده و نیاز به بازنگری و اصلاح دارد؛ و قطعاً قرآن کریم با وجود فاصله‌ای به میزان چهارده قرن که از بیان و نزول آن می‌گذرد، پیش از آنکه انسان‌ها بهای سنگین فهم آن را بپردازند، قادر بوده و البته هست که تکمله و اصلاحگر حقیقی کاستی‌های علم اقتصاد جهان باشد و قاعدتاً این از وجوه اعجاز اقتصادی قرآن کریم است که می‌تواند علم روز را با مطالب پیش از این نازل شده اصلاح نماید.

۵-۵. عرضه آن از زبان شخصی امی

خداوند متعال رسول گرامی خویش را فردی درس‌نخوانده معرفی می‌نماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ...» (اعراف: ۱۵۷). از نظر علمای اهل سنت از جمله فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۵ / ۳۸۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۲۳۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵ / ۷۵) و ...، واژه امی در این آیه به معنای کسی است که نخواند و نوشت. اینکه پیامبر گرامی اسلام | سال‌ها در میان مردم به عنوان فردی عادی زندگی نمود و نه برای خود فضیلت و تفاوتی با مردم قائل بود و نه سخنی از علم به میان می‌آورد و در چهل سالگی کتابی را به مردم خویش عرضه کرد که ادبا و دانشمندان قوم ایشان از دریافت و فهم آن عاجز ماندند، می‌تواند دلیل روشنی بر اعجاز از نظر امی بودن آورنده آن باشد.

علامه طباطبایی & ذیل آیه: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذْ لَأْتَابَ الْمُبْطِلُونَ» (عنکبوت: ۴۸) به اعجاز قرآن از جهت امی بودن پیامبر | اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که این آیه حجت بر حقانیت قرآن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۱۳۹).

برخی دانشمندان اهل سنت همچون زحیلی نیز معتقدند که امی بودن پیامبر اکرم| یکی از دلایل معجزه بودن قرآن کریم است (زحیلی، بی تا: ۱۱ / ۱۳۰). حال اگر مطلب از نظر تحریم ربا بررسی گردد باید گفت رسول گرامی اسلام| در قیاس صغرا، خبر از تحریم حکمی داده که در اعصار مختلف پس از تحریم، حکمت‌ها و ثمرات آن نمود پیدا کرده است. ضمن آنکه ایشان با وجود درس‌نخوانده بودن در مدتی کوتاه و با توجه به عمق رباخواری، حکمی را بنیان گذاشت که حتی امروز نیز پاسخگوی پیچیده‌ترین حیل‌های بشر در معاملات و اقتصاد است. به عبارت دیگر، می‌توان این‌گونه عنوان کرد که شخصی امی، قوانینی را در اجتماع بشر پیاده می‌کند و به اجرا درمی‌آورد که امروزه عقلای علم اقتصاد جهان پس از سال‌ها تحصیل و فراگیری علم، به لزوم پیاده‌سازی و اجرای آن در جوامع خود پی برده‌اند.

#### ۵-۶. عدم امکان بیان حکم در شرایط عصر جاهلیت

در اصطلاح قرآن و حدیث، به دوره عرب پیش از اسلام «جاهلیت» اطلاق شده است. در آن زمان، افکار اکثر جامعه کفرآمیز و اعتقادات شرک‌آمیز در بین مردم رواج داشت (جوادی، ۱۳۸۰: ۵ / ۲۸۱؛ حداد عادل، ۱۳۷۹: ۹ / ۵۱۰ - ۵۱۱). واژه جاهلیت چهار بار در قرآن به کار رفته که در هر چهار مورد همراه با ملامت و نکوهش است (آل عمران: ۱۵۴؛ مائده: ۵۰؛ احزاب: ۳۳؛ فتح: ۲۶). البته مشتقات جاهلیت نیز در آیات قرآن آمده است که در آن‌ها هم انسان را از نوعی جهل باز می‌دارد (عبدالباقی، ۱۳۸۷: ۲۳۳ - ۲۳۴). در این دوره از تاریخ عربستان، رسوم غلط بسیاری رواج داشت که ربا یکی از آن‌ها بود و این طبیعی به نظر می‌رسد که هنگام تحریم یک عادت که با زندگی مردم گره خورده است، مخالفت‌های بسیاری در مقابل آن اعلام شود. به عنوان مثال، مردم معتقد بودند نمی‌توان ربا را از دایره فعالیت‌های اقتصادی کنار گذاشت، چون ربا اجرت سرمایه‌ای است که در اختیار تاجر گذاشته می‌شود. در مکه ثروتمندان قریش برای ازدیاد ثروت، مردم عادی برای تهیه مایحتاج زندگی و تجار برای تأمین سرمایه تجاری از ربا استفاده می‌کردند و هنگامی که اسلام آن را تحریم کرد، همه غافلگیر شدند و به نحوی می‌خواستند با آن مقابله کنند (بخش فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ۷۸-۸۱). معاملات ربوی بسیاری در مکه که در آن روزگار مرکز و مسیر تجارت اعراب بود، رواج داشت. قبل از ظهور اسلام، اشخاصی چون عباس ابن عبدالمطلب، عثمان بن عفان و خالد بن ولید به فعالیت‌های ربوی آلوده بودند و در این کار شهرت داشتند. از آنجا که معمولاً دریافت‌کنندگان وام‌های ربوی افراد فقیر و تهیدست بودند، در بسیاری از مواقع زنان و فرزندان‌شان به گروگان گرفته می‌شد و در صورت ناتوانی وام‌گیرنده از پرداخت دین، گروگان به مالکیت وام‌دهنده درمی‌آمد (موسایی، ۱۳۷۶: ۴). همچنان‌که از کلام قرآن نیز برمی‌آید، مردم به هنگام تحریم ربا شگفت‌زده می‌گفتند: «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا»، زیرا به قدری به ربا آلوده شده بودند که قدرت تشخیص بین این مسئله و

بیع را نداشتند و آن را همچون معاملات عادی خویش، امری پیش‌یافتاده تلقی می‌کردند. و آن‌گونه که آلوسی از مفسران اهل سنت معتقد است، این آیه در رد چنین تسویه‌ای نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/ ۴۹). قرطبی، دیگر مفسر اهل سنت، نیز معتقد است که ربایی که در قرآن حرام شده است از نظر مردمان زمان نزول اصلاً ربا و زیاده گرفتن نبوده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳/ ۳۵۶) و این به معنای آن است که بیع و ربا در نزد ایشان حقیقتاً یکسان بوده است.

محیط مکه محیط رباخواران بود و سرچشمه بسیاری از بدبختی‌های اجتماعی آن‌ها نیز همین کار زشت و ظالمانه بود. اما با وجود چنین فساد اجتماعی عمیقی خداوند متعال در تحریم حکم ربا به شکلی منظم و متوازن و با ملاحظه فرصت کافی برای ترک این عمل قبیح، گام به گام روح انسان را از این عمل شیطانی دور می‌سازد. قرآن برای ریشه کن ساختن رباخواری حکم تحریم را در چند مرحله بیان کرده است:

۱. در آیه ۳۹ سوره روم نخست درباره ربا به یک پند اخلاقی قناعت شده؛ آنجا که می‌فرماید: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» اعلام می‌کند که تنها از دیدگاه افراد کوتاه‌بین است که ثروت رباخواران از راه سود گرفتن افزایش می‌یابد، اما در پیشگاه خدا چیزی بر آن‌ها افزوده نمی‌شود، بلکه زکات و انفاق در راه خداست که ثروت‌ها را افزایش می‌دهد.

۲. در سوره نساء آیه ۱۶۱: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبُطْلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»، ضمن انتقاد از عادات و رسوم غلط یهود به عادت زشت ربا خواری آن‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و اخذهم الربا و قد نهوا عنه؛ یکی دیگر از عادات بد آن‌ها این بود که ربا می‌خوردند با اینکه از آن نهی شده بودند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۸۸).

۳. و بالاخره در سوره بقره آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ هرگونه رباخواری به شدت ممنوع اعلام شده و ضربه نهایی را بر پیکر این سنت مخرب اقتصادی و اجتماعی فرود می‌آورد و رباخواری را به مثابه اعلان جنگ با خود و رسول گرامی‌اش معرفی می‌کند.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت یکی از وجوه اعجاز قرآن در آیات ربا آن است که با وجود عمق زیاد ربا در زندگی مردم آن دوره و عدم امکان بیان این تحریم، خداوند متعال با شیوه‌ای جالب و با به کارگرفتن لحن‌های مختلف و در زمان‌های مختلف به مرور این کسب پلید را از جامعه اسلامی ریشه‌کن می‌فرماید.

در مقایسه با عمیق و ریشه‌دار بودن بسیاری از عادات جاهلی که حاصل قرن‌ها خرافه‌پرستی و جهل در جزیره‌العرب بود، قرآن کریم تنها طی ۲۳ سال تمام این رسوم را که مخالف هدایت بشر بود باطل اعلام کرد و انسان را به سوی هدایت فراخواند.

در دوره جاهلیت سنت‌های زشت بسیاری مانند زنده به گور کردن دختران سوت و کف زدن و برهنه شدن در طواف خانه خدا؛ شراب‌خواری و فحشا؛ تجاوز و جنگ و خون‌ریزی و خرافات، میان اعراب رواج داشت (قاسمی، بی‌تا: ۷۴).

به عنوان مثال، در آیات ۸ و ۹ سوره تکویر: «وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؛ و روزی که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شدند»، رسم زنده به گور کردن دختران که البته رسم شایعی نبود و بیشتر در قبایل «بنی تمیم»، «بنی اسد»، «بنی قیس»، «هذیل»، «بکر بن وائل» و «کنده» رواج داشت (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۶ / ۷۷۵)، مورد اشاره و اعتراض خداوند متعال قرار می‌گیرد و اعلام می‌شود که خداوند در قیامت دادخواه آن دختران خواهد بود. رباخواری نیز از این قاعده مستثنا نبوده و همچون سایر عادات ناپسند آن دوران، مورد غضب و تحریم الهی قرار گرفت. پیش‌تر به این بحث اشاره گردید که ربا یکی از رسوم غلط جامعه جاهلی و البته از نوع شایع آن بود؛ و در نگاه اول شاید به نظر می‌رسید که ریشه‌کن کردن چنین امر مهمی که با امور روزانه جامعه و اقتصاد آن گره خورده است، کاری ناممکن باشد، اما با این وجود از اولین آیه صریح درباره ربا در سوره روم که هشت سال قبل از هجرت بر پیامبر وحی شد تا آخرین آیه نازل شده در سوره بقره که بنابر قول مفسران، آخرین آیات نازل شده درباره ربا بر پیامبر اکرم | بوده است (همان: ۲ / ۳۹۴؛ طوسی، بی‌تا: ۲ / ۳۶۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳ / ۷۵) تنها هجده سال زمان صرف ریشه‌کن کردن حکمی شد که قرن‌ها با گوشت و خون مردم عجین شده بود. البته در کنار آیات قرآن، تأکید پیامبر اکرم | به عنوان تبیین‌کننده قرآن نیز وجود داشت که قبح مسئله را بیش از پیش نشان می‌داد. به عنوان مثال، در تبیین معنای حقیقی این تحریم از قول رسول گرامی اسلام | نقل شده است که فرمودند:

مَنْ أَكَلَ الرَّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ نَارًا بِقَدْرِ مَا أَكَلَ مِنْهُ فَإِنْ كَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ وَ كَمْ يَزَلُ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا دَامَ عِنْدَهُ مِنْهُ قِيرَاطٌ؛ کسی که ربا بخورد خداوند شکمش را به مقدار آنچه خورده از آتش پر می‌کند. پس اگر از ربا مالی را به دست آورد عملش را نمی‌پذیرد و همیشه مورد لعن خدا و ملائکه است مادامی که قیراتی از مال ربوی نزدش باشد (محدث نوری، بی‌تا، ۱۳ / ۳۳۲).

در روایت دیگری آمده است که پیامبر | بعد از نزول آیه ۲۷۸ بقره:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره: ۲۷۸-۲۷۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید! اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست اصل سرمایه، بدون سود، نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود.

فرمود: آگاه باشید تمام مطالبات ربوی که در زمان جاهلیت مردم از یکدیگر داشته‌اند، همگی باید فراموش شود و نخستین مطالبات ربوی که من آن را به دست فراموشی می‌سپارم مطالبات عباس بن عبدالمطلب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۶۷۴). از این جمله به خوبی استفاده می‌شود که پیامبر| به هنگامی که مطالبات ربوی زمان جاهلیت را از ریشه برمی‌کند، از بستگان خود شروع کرد و اگر در میان آن‌ها افراد ثروتمندی مانند عباس بودند که در زمان جاهلیت مانند دیگر ثروتمندان آلوده بودند، پیامبر نخست مطالبات آن‌ها را الغا کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۶۹).

همچنین در روایات آمده است که پیامبر اسلام| بعد از نزول این آیات به فرماندار مکه دستور داد که اگر آل‌مغیره که از رباخواران معروف بودند دست از کار خود بر ندارند، با آن‌ها بجنگد و این روایت مورد تأیید اکثر علمای فریقین است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۶۷۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/ ۳۶۶؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱/ ۵۳۹).

همان‌گونه که از مباحث و روایات تاریخی نیز برمی‌آید، اگرچه در ابتدای نزول برداشتن رسمی جاهلی همچون ربا زمانی طولانی را طلب می‌کرد، تنها در پایان هجده سال، کار به سرانجامی رسید که هیچ یک قادر به رباخواری عیان در جامعه نبودند و در صورت انجام آن باید بهای سنگین جنگ با رسول خدا| را می‌پرداختند.

## ۶. نتیجه

اعجاز تشریحی که در تعریف آن می‌توان گفت جامعیت تشریح احکام قرآن به گونه‌ای که بشر از آوردن مانند آن برای زندگی خود ناتوان است، یکی از وجوه اعجاز قرآن می‌باشد که امروزه بیش از پیش نیازمند توجه صاحب‌نظران است، زیرا این وجه مسبوق به سابقه طولانی نبوده و باید در تاریخ معاصر به دنبال آن بود. به عنوان مثال، در لابه‌لای آثار دانشمندان اهل سنت اشخاصی چون بلاغی، رشیدرضا، ابراهیم اسماعیل وجود دارند که به این وجه از اعجاز پرداخته‌اند و در نزد علمای شیعه آیت‌الله معرفت به طور مستقل وجه اعجاز تشریحی را بیان کرده است.

با توجه به اینکه قرآن کریم در مبارزه با انحرافات ریشه‌دار اجتماعی سبک مخصوص به خود را دارد، این مسئله در حکم تحریم ربا و تطابق آن با ابعاد اعجاز در تشریحات نیز قابل مشاهده است، زیرا آیات ربا در مکان‌ها و زمان‌های مختلفی بر پیامبر اکرم<sup>ع</sup> نازل شد، اما کوچک‌ترین تناقضی میان آیات وجود ندارد و نیز کاملاً منطبق بر اصول عقلی و فطری بشر است و قابلیت اصلاح و تکمیل علم اقتصاد امروز را داراست. همچنین با توجه به امی بودن آورنده آن، زمان کوتاهی که این حکم ریشه‌دار در آن تبیین گشته و عدم امکان بیان این تحریم برای سطح درک مردم عصر جاهلیت، می‌توان معجزه بودن تشریح این حکم را نتیجه گرفت که همان اثبات وجه اعجاز تشریحی در تحریم ریاست. پس از بررسی و تطبیق، اعجاز تشریحی در این آیات چنین تعریف می‌گردد، چون جمع تمامی این ویژگی‌ها در تشریح یک حکم امری خارق‌العاده است و در تحریم ربا تمامی این خصوصیات جمع شده، حکم ربا دارای اعجاز تشریحی است.



## پی‌نوشت‌ها

- (۱). اگرچه برخی از علمای اهل سنت معتقدند که بهره متداول در زمان فعلی ربایی نیست که قرآن آن را تحریم کرده است. چون بهره، مصداق ربای جاهلی نیست و با آن تفاوت اساسی دارد. بنابراین، تمام عملیات بانکی و دریافت و پرداخت به وسیله آن، از نظر شرعی مشکل ندارد (جواهری، بی‌تا: ۸-۹).
- (۲). البته در این آیه همان‌گونه که از معنا مشخص است دو فعل «لِیَرْبُوا» دارای معنای لغوی خود یعنی همان زیاد شدن است.
- (۳). آیات مذکور: ۲۷۵-۲۷۸ سوره بقره؛ ۱۳۰ سوره آل‌عمران؛ نساء ۱۶۰-۱۶۱ سوره نساء هستند که همگی در سوره مدنی قرار دارند.
- (۴). به عنوان مثال، استیگلیتز به دلیل بودن در متن سازمان‌هایی مانند بانک جهانی به سیستم ربوی اقتصاد حال حاضر جهان انتقادات جدی وارد نموده و در آثار خود عملکرد این سازمان‌ها را به چالش می‌کشد. یکی از ضعف‌هایی که وی به آن اشاره کرده و انتقاد می‌کند، مسئله بهره و بالا بودن نرخ آن است که عملاً اقتصاد بسیاری از کشورها را به خصوص پس از بحران جهانی اقتصاد در سال ۱۹۹۷ به ورطه‌ی نابودی کشانده است (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۱۵۹)؛ وی همچنین معتقد است نرخ‌های بهره حتی در بهترین شرایط، ایجاد اشتغال را عملاً غیرممکن کرده و در نتیجه مشاهده شد که سود وام‌های اعطایی حتی فرصت‌های شغلی به وجود آمده را نیز از میان برد، چرا که اتباع این کشورها باید کار کنند تا بدهی کشور خود به صندوق را که مدام در حال افزایش است، بپردازند (همان: ۳۹).

## کتابنامه

قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

عهدین (با ترجمه فارسی).

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صار، ۱۴۱۴ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه اسلامی، ۱۴۱۳ق.

ابراهیم نژاد، محمدرضا، اعجاز تشریحی قرآن، آینه معرفت، ش ۲۴، پاییز ۱۳۸۹.

استیگلیتز، جوزف یوجین، سقوط آزاد: بازارهای آزاد و افول اقتصاد جهانی، مترجم: محمدناصر شرافت، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

\_\_\_\_\_ جهانی سازی و پیامدهای ناگوار آن، محمدرضا باوفا. تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.

\_\_\_\_\_ تجارت منصفانه برای همه، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۷.

\_\_\_\_\_ نگاهی نو به جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶.

\_\_\_\_\_ جهانی سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.

ایازی، محمدعلی، جامعیت قرآن، قم، کتاب مبین، ۱۳۹۳.

ابراهیم، محمداسماعیل، القرآن و اعجاز التشریحی، بی جا، دارالفکر العربی، بی تا.

ابن رشد، بدایه المجتهد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.

ابن قدامه، معنی المحتاج، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.

باقلانی، ابوبکر، اعجاز القرآن، تحقیق: احمد صفر، مصر، دارالمعارف، ۱۹۸۱.

بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ربا، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

بخشی دستجردی، رسول، دلایلی اصفهانی، رحیم، درآمدی بر ریشه های ذهنی ایجاد بهره از نظر بوم باورک،

فصلنامه پژوهش های اقتصادی شماره ۱۳ پاییز ۱۳۸۳.

بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.

بهجت پور، عبدالکریم، معرفت حامد، اعجاز تشریحی قرآن، قرآن و علم، ش ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰.

جرجانی، عبدالقاهر، دلائل الاعجاز، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ق.

- جعفرپور، جمشید، بررسی فقهی ماهیت ربا، زبان و ادبیات فارسی، ش ۳۴، ۱۳۸۰.
- جوادی، سید احمد، خرمشاهی، بهاءالدین، و فانی، کامران، دایره المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- حسینی کوهساری، مفید، اعجاز اقتصادی قرآن کریم، دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم، ش ۸، تابستان ۱۳۹۰.
- حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، قم، علمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ق.
- دشتی، سید محمود، اعجاز تشریحی قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- رجبی، تکتیم، بررسی تطبیقی وجوه اعجاز قرآن کریم در تفسیر المیزان و المنیر، پروژه تحقیقاتی کارشناسی ارشد، مشهد، دانشکده علوم قرآنی، ۱۳۹۳.
- رشید رضا، المنار فی تفسیرالقرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- زحیلی، وهبه، القرآن الکریم بنیته التشريعیه و خصائصه الحضاریه، الطبعه الاولی، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۹ق.
- سیوطی، جلال الدین، معترك القرآن فی الاعجاز القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، بیروت، مؤسسۀ التاریخ العربی، بی تا.
- صانعی، سید مهدی، اعجاز تشریحی قرآن، مطالعات اسلامی، ش ۶۰، تابستان ۱۳۸۲.
- صدر، سید محمدباقر، البنك اللاربوی فی الاسلام، بیروت، دارالاتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

عبدالباقی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، بحاشیه المصحف الشریف، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۷.

علیان نژادی، ابولقاسم، الربا و البنک الاسلامی (لسماحه آیةالله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۲ق.

فراهانی فرد، سعید، سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.

قاسمی حامد، مرتضی، نگاهی به آداب و رسوم دوره جاهلیت از منظر قرآن کریم، فصلنامه جبل المتین، بی تا.

کورتن، دیوید، سرمایه داری فردا؟ ثروت خیالی یا واقعی، مترجم: کامران سپهری، تهران، پژواک، ۱۳۹۲.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

مطهری، مرتضی، مسئله ربا و بانک، تهران، صدرا، ۱۳۸۶.

\_\_\_\_\_ ربا بانک بیمه، تهران، صدرا، ۱۳۶۴.

\_\_\_\_\_ سلسله یادداشت ها، تهران، صدرا، ج، ۴ چاپ دوم، ۱۳۸۲.

مکارم شیرازی، ناصر، هفتمین فلسفه تحریم ربا، مکتب اسلام، بی تا.

\_\_\_\_\_ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.

معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه تمهید، قم، ۱۳۸۵.

\_\_\_\_\_ نقد دیدگاه های معاصر درباره ربا، کتاب نقد، سال چهارده و پانزدهم، ش ۶۵-۶۶.

\_\_\_\_\_ بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر، اقتصاد اسلامی، ش ۲۱، ۱۳۸۵.

\_\_\_\_\_ الگوی جدید بانکداری بدون ربا، اقتصاد اسلامی، ش ۲۳، ۱۳۸۵.

مجتهدی شبستری، محمد، نظری به فلسفه تحریم ربا، مکتب اسلام، سال هفتم، ش ۱.

مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

مودب، سیدرضا، اعجاز قرآن، قم، توحید، ۱۳۸۶.

نوری کرمانی، محمدمیر، موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

# A Comparative Study of the Legislative Miracle of the Quran in the Verses Concerning Prohibition of Usury \*

Muhammad Ali Taheri \*\*

Bibi Hakimah Husseini \*\*\*

Zahra Haideri Abrawan \*\*\*\*

## Abstract

Legislative miracle is one of the forms and manifestations of the miracles of the Quran. It has important aspects which have often been ignored. The prohibition of usury (better known as *riba*) is an instance of the legislations of the Holy Quran. Now in view of the legislative miracle of the Quran and prohibition of the usury, the question that arises is: What are the delicacies and wisdom associated with the said prohibition and how does it reveal the miracle of the Quran in respect of legislation?

The present study seeks to explain that the legislative miracle of the Quran in respect of the prohibition of usury can be brought up and discussed as an independent topic. The miracle can be proved also, if the views and opinions of the scholars of the two branches of faith (Shia and Sunni) are studied comparatively. Hence, the legislative miracle of the Quran has been discussed with an analytical – descriptive approach. It is gathered from the research findings that the prohibition of usury is rationally acceptable and it is also consistent with man's innate nature and that it can be modified in accordance with today's science which as per the verse 157 of chapter 7 of the Quran (Those who follow the messenger, the unlettered Prophet...) was institutionalized in a short time on the tongue of an unschooled person.

**Keywords:** aspects of miracle, legislative miracle, usury, prohibition of *riba*, Islam.

---

\* Date of submission: 28/11/2015 Date of acceptance: 30/1/2016.

\*\* Assistant professor, Awqaf University, and faculty member of Danishkadeh Tarbiat Mudarres Quran (College for Training Quran teachers) – Mashad.( m41taherynejad@gmail.com).

\*\*\* Assistant professor, Awqaf University, and faculty member of Danishkadeh Tarbiat Mudarres Quran (College for Training Quran teachers) – Mashad.( hosseini.dolatabad@gmail.com).

\*\*\*\* PhD student, Ferdowsi University (zahra.heidary@mail.ru).